

موانع و مشکلات بازارچه‌های مرزی در توسعه منطقه‌ای *

مطالعه موردی مناطق شمالی و شمالغرب ایران

دکتر علی محمودی **

چکیده

در سالهای بعد از انقلاب، تأسیس بازارچه‌های مرزی گامی جدید در جهت کاراتر ساختن مبادلات مرزی بود. به رغم نقش برجسته این مراکز در توسعه مبادلات منطقه‌ای و رونق اقتصادی این مناطق، کارنامه عملکرد بازارچه‌ها در نقاط مرزی کشور نشان می‌دهد که تراز بازرگانی این مناطق منفی بوده و غالباً فعالیت وارداتی دارند.

هدف این مقاله، بررسی نتایج این موضوع در فرایند عملکرد مدیریتی بازارچه‌ها برای یک توسعه پایدار در مناطق مرزی است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که مقررات، در نظام مدیریتی بازارچه‌ها در توسعه و نهادینه کردن این مبادلات، چندان جدی نبوده‌اند. این مقاله در صدد پاسخگویی به سئوالات زیر است:

۱. آیا مقررات و قوانین بازارچه‌ها درست در جهت توسعه و تحکیم مبادلات عمل می‌کند؟ ۲. آیا نحوه اداره و عملکرد مدیریتی بازارچه‌ها در راستای اهداف تعیین شده مناسب بوده است؟ ۳. آیا چارچوبهای قانونی تعیین شده می‌تواند برای تمامی بازارچه‌ها یکسان تلقی شود.

به هر حال، تجربه و آزمون عملی این پرسشها هدف اصلی این مقاله است که در راستای رسیدن به یک روش مطلوب در اداره امور این مراکز، نظرات کلیه دست‌اندرکاران مبادلاتی بازارچه‌ها که به طریق یک همه پرسشی آماری به دست آمده با یافته‌های خاصی از تحقیقات میدانی مورد تطبیق و تحلیل قرار می‌گیرد.

** این مقاله، خلاصه پروژه‌ای است که در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی به انجام رسیده است.
** عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و همکار پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای

مقدمه

مبادلات منطقه‌ای همواره یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای رشد و توسعه اقتصاد منطقه بوده است. اینگونه مبادلات به ویژه در نواحی مرزی، هم در جهت توسعه اقتصادهای محلی و هم برای توسعه تجارت و همکاریهای منطقه‌ای، مفید بوده است. در کشور ما، به لحاظ ناتوانیهای بالقوه مناطق مرز نشینی و به منظور جلب جمعیت و مبارزه با قاچاق، دولتهای وقت پیوسته از گذشته تمهیداتی را برای مبادلات خارجی این نواحی لحاظ کرده‌اند که جنبه قانونی داشته است.

همکاریهای اقتصادی و تجارت منطقه‌ای لزوماً از اهرمهای رشد و توسعه اقتصادی منطقه‌ای و وسیله‌ای برای ایجاد اشتغال و ارتقای سطح زندگی بشمار می‌رود. در این مورد، مطالعات زیادی انجام گرفته است. در این گونه مطالعات تأکید بر آن است که کشورهای در حال توسعه لزوماً می‌بایست به سمت همکاریهای اقتصادی و تجاری منطقه‌ای حرکت نمایند تا از یک سو، کمتر دچار آثار سوء تجارت جهانی شوند و از سوی دیگر، به تناسب توانها و قابلیت‌های منطقه‌ای، از منافع تجارت خارجی برخوردار گردند تا بدین وسیله هم به تقویت پایه‌های اقتصادی خود به ویژه در مناطقی که دارای توانهای بالقوه بازرگانی - اقتصادی است، توفیق یابند و هم ورود به تجارت آزاد جهانی را تجربه نمایند.

ایجاد اینگونه مراکز به ویژه در مناطق مرزی و فروش یا ترانزیت کالا به کشورهای همجوار، هم می‌تواند به کمک اقتصادهای محلی و منطقه‌ای بشتابد و هم با مشخص شدن ظرفیت‌ها و مشخصات تجاری طرفین در طول زمان، زمینه را برای ایجاد اشکال مناسبتر ارتباطات تجاری و همکاریهای منطقه‌ای (به ویژه در قالب اکو) فراهم نماید. نهایت اینکه با آگاهی از چگونگی مبادلات محلی و منطقه‌ای این مناطق، به راحتی می‌توان از آثار سوء عملیات قاچاق کالا که پدیده بیمارگونه مناطق مرزی است، ممانعت به عمل آورد.

۱. پیشینه موضوع و نارساییهای موجود

پیوسته از قدیم، مناطق مرزی کشور به لحاظ موقعیت جغرافیایی قومی منشاء انجام پاره‌ای ارتباطات و مبادلات بوده‌اند. ناتوانیهای بالقوه این مناطق به ویژه در بخشهای صنعت و کشاورزی، به دولتهای وقت اجازه می‌داد که به لحاظ محرومیت زدایی، نگهداشت جمعیت و ممانعت از قاچاق، تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی لحاظ نمایند^۱.

۱. قانون و مقررات صادرات و واردات، آیین نامه اجرایی آن. ۱۳۷۱-۱۳۷۶.

در سال ۱۳۳۱ و به دنبال آن در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۸، نحوه فعالیت تجاری مرز نشینان به صورت یک لایحه قانونی در قانون مبادلات مرزی مستقر شد. اگر چه در آن ایام، مرز نشینان به دلیل محدودیتهای مالی و عدم آشنایی با اصول بازرگانی خارجی از این قانون استقبال چندانی نکردند لکن حقوق مرز نشینان برای استفاده از این قانون همچنان باقی بود.

در سالهای بعد از انقلاب اسلامی، با بروز جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، محدودیتهای وارداتی، افزایش خود افزای قیمتها و محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی، ساکنین مناطق مرزی بار دیگر به استفاده از این قانون روی آورده و مبادلات مرزی را رونق بخشیدند. به دنبال آن، تأسیس بازارچه‌های مرزی در آذربایجان غربی (۱۳۶۷) و سپس در آذربایجان شرقی، گیلان و خراسان (۱۳۷۰) تجربه شد.

تأسیس این بازارچه‌ها، گامی جدید در جهت کاراتر ساختن مبادلات مرزی بود. به ویژه آنکه با حمایت و پشتیبانی از پیلهوران محلی، توسعه صدور کالاهای غیر نفتی که دارای مزیت نسبی منطقه‌ای هستند، در دستور کار این بازارچه‌ها قرار داده شد.

فعالیت بازارچه‌ها به دست اندرکاران بازرگانی کشور امکان می‌داده است که بر کالاهای مورد نیاز کشورهای همسایه و شناسایی بازار آنها اقدامات جدی تری انجام دهند. ولی مروری در کارنامه عملکرد هفت ساله بازارچه‌های مناطق مرزی مورد مطالعه، نشان می‌دهد که تراز بازرگانی این مناطق در این دوره پیوسته منفی بوده و عملکرد آنها عمدتاً وارداتی است.

نتایج مطالعات میدانی و گزارشهای دریافت شده از ادارات بازرگانی این مناطق نیز این نکته را تأکید می‌کند که به رغم تواناییهای نسبتاً قومی در بخش کشاورزی این مناطق و وجود تقاضا برای آنها در کشورهای همسایه، از ظرفیتهای موجود به نحو مطلوب بهره‌برداری نمی‌شود و وجود بازارچه‌ها انگیزه‌ای برای آنها ایجاد نکرده است.

۲. روش تحقیق

به منظور بررسی تحلیلی این موضوع و دست یابی به یکسری نتایج آماری، نظرات کلیه دست‌اندرکاران بازارچه‌ها از طریق مطالعات و مشاهدات میدانی و تدوین پرسشنامه و تکمیل آن به طریق مصاحبه حضوری در محل، عمل شده است. جامعه آماری مشتمل بر کلیه پیلهوران، بازرگانان، و سایر دست‌اندرکاران بازارچه‌های مرزی است که در مقطع سالهای ۷۶-۱۳۷۵، کارت پیلهوری یا بازرگانی دریافت داشته‌اند.

برای آزمون فرضیه تحقیق از روش آزمون کای اسکوئر (χ^2) و نرم افزار SPSS استفاده شده است. مجموع سئوالات طرح شده در این بررسی مشتمل بر ۶۲ سؤال موضوعی بوده است که ۵۰ درصد آن به صورت تشریحی و ۵۰ درصد دیگر به صورت پاسخهای چهارگزینه‌ای بوده‌اند. محتوای موضوعی سئوالات تشریحی در جهت آشنایی با پتانسیلهای وارداتی و صادراتی بازارچه‌ها و پرسشهای چهارگزینه‌ای صرفاً در جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق هدفمند بوده‌اند.

۳. یافته‌های تحقیق

سئوالات طرح شده در پرسش‌نامه پیوسته در پی این اهداف بوده است که ساختار قوانین و نحوه اداره امور بازارچه‌ها را در مناطق مرزی مورد شناسایی قرار دهد و در نهایت، الگوی انتظاری برای یک کارکرد بهینه را به دست آورد.

مطابق قانون، «بازارچه مشترک مرزی» عبارت از محوطه‌ای است محصور در نقطه صفر مرزی که برحسب توافق دولتمردان جمهوری اسلامی و کشور همجوار تأسیس شده و پبله‌وران می‌توانند کالاهای خود را مطابق آیین نامه اجرایی بازارچه و با رعایت مقررات صادرات و واردات، مبادله نمایند. ماده یک و تبصره‌های ۱ الی ۳ این آیین نامه^۲ مقرر می‌دارد که «اهالی نقاط جمعیتی متصل به مرزهای کشور که از یک سال قبل به‌طور مستمر در این نقاط ساکن هستند، با دریافت کارت مبادلات مرزی مشمول تسهیلات مبادلات مرزی خواهند بود». به رغم صراحت قانون در مورد نحوه عضو پذیری برای بازارچه‌ها، حضور تأیید شده افراد غیر بومی نخستین پدیده ناهمگونی در اجرای آیین نامه بازارچه‌هاست. یک برآورد آماری نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از دست اندرکاران مبادلاتی بازارچه‌ها، غیر بومی هستند. ۶۰ درصد از ۸۰ درصد پاسخ دهندگان به سؤال «آیا مرزنشین هستید یا خیر»، جواب منفی داده‌اند. در حالی که مندرجات آیین نامه مبادلات مرزی، این مراکز را به عنوان درآمدی برای مرزنشینان تلقی کرده تا با تقویت رفاه سطح زندگی آنان موجبات توسعه اقتصادی، تثبیت جمعیت و در کنار آن، امنیت ملی دفاع از مرزهای کشور و توسعه صادرات فراهم آید.

تجارت بین مناطق، اثرات رشد بسیار متنوع و متغیری دربردارد. یکی از آثار مهم توسعه تجارت بین مناطق، رشد تولید و افزایش اشتغال در فعالیتهای پایه‌ای و غیر پایه‌ای، فزونی سرمایه‌گذاری محلی خارجی (مستقل از توابع پس انداز) و بالاخره افزایش خود افزای رفاه اقتصادی و اجتماعی است. چنین

۲. آیین نامه تشکیل بازارچه‌های مرزی، موضوع مصوب شماره ۳۰۵/۵۶۶۸۲ ه مورخ ۷۲/۱۱/۷ هیات وزیران.

فرایند توسعه‌ای در خصوص بازارچه‌های مرزی، به طور مشخص وقتی تعمیم می‌یابد که اثرات متقابل مبادلات منطقه‌ای مستقیماً در محل بازارچه‌ها انتشار یابد. در حالی که بازارچه‌های مرزی و حوزه نفوذ آنها یعنی جایی که بازارچه در آن مستقر شده، نقش نقاط میانی را دارد. تا آنجا که مطالعات منطقه‌ای نشان می‌دهد، این نواحی، نه دارای پتانسیلها و امکانات تولیدی هستند که به افزایش تولید و جذب سرمایه‌گذاری مجدد منجر شود، و نه دارای تسهیلات و تجهیزات خدماتی می‌باشند که موجبات افزایش اشتغال در فعالیتهای پایه‌ای را تحریک نمایند.

مهم آن‌که، هم مبدأ و هم مقصد کالاهای صادراتی و وارداتی بازارچه‌ها در خارج از حوزه نفوذ مناطق مرزی واقع شده‌اند. بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان به سؤال «کالاهای وارد شده را در کدام بازار به فروش می‌رسانید»، به نقاط خارج از نواحی مرزی به خصوص به بازار تهران اشاره داشته‌اند. آیین نامه مبادلات مرزی^۳ و فهرست کالاهای قابل صدور پیوست آن^۴ نیز صراحتاً محلی بودن کالاهای صادراتی را که در نوع خود می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های محلی در تولید و خدمات منجر شود، تأیید نمی‌کند. بند ب / ۱ این پیوست اشاره داد که «کالاهای اعم از اینکه محصول یا مصنوع استان ذی‌ربط یا سایر نقاط کشور باشند، پس از احراز شرایط و رعایت مقررات، قابل صدور خواهند بود». با این حال رقم عمده کالاهای صادر شده از طریق بازارچه‌های مرزی از نوع کالاهایی هستند که استان مرزی نسبت به تولید آنها مزیت نسبی دارند. در استان خراسان کالاهای صادر شده، به نسبت منابع و ظرفیتهای تولیدی استان، بر روی کالاهای مصرفی خانگی و مواد غذایی بسته‌بندی شده تأکید دارد. در استانهای گلستان و آذربایجان شرقی به ترتیب ۹۱ و ۹۰ درصد ارزش دلاری کالاهای صادر شده را فرآورده‌های صنایع تبدیلی تشکیل می‌دهند. استانهای اردبیل و آذربایجان غربی از لحاظ صدور کالاهای کشاورزی و مواد غذایی بسته‌بندی شده، توان بالایی نشان داده‌اند. در استان اردبیل ۹۳/۱ درصد و در استان آذربایجان غربی ۹۰ درصد ارزش دلاری صادرات از طریق بازارچه‌های مرزی را کالاهای کشاورزی تشکیل می‌دهند^۵. در تمامی استانهای مورد مطالعه، فرآوری، بسته‌بندی و انجام سایر فعالیتهای خدماتی این کالاها در تخصص نواحی شهری است و طوری نیست که مستقیماً اقتصاد نواحی مرزی را که نکته عطف آیین‌نامه تأسیس

۳. آیین نامه تشکیلاتی بازارچه‌های مرزی، همان سند.

۴. بخشنامه شماره ۹۷۳-۷۴۶ مورخ ۱۳۶۸/۹/۵ اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی به دفتر توسعه صادرات و واردات گمرک ایران.

۵. گزارش عملکرد ماهانه میزان صادرات کالاهای غیرنفتی، استانهای مورد مطالعه در سال ۱۳۷۷.

بازارچه‌هاست، تحت الشعاع قرار دهد. به علاوه در مطالعات منطقه‌ای، صحت این امر مسجل شده است که در مبادلات بین المناطق، جریان کالاها پیوسته با جریان پولی مترادف بوده و لذا اثرات ساختاری این مبادلات مستقیماً بر روی مناطقی است که با هم مبادله دارند.

بنابراین، تصور نمی‌رود حداقل در کوتاه مدت، آثار توسعه‌ای ناشی از حرکات صادراتی بازارچه‌ها، در حوزه نفوذ آنها یعنی آن‌جایی که سکونتگاه‌های روستایی با توانهای محدود تولید و جمعیت ترکم پراکنده‌اند، انتشار یابد. در این صورت، اثرات توسعه تجارت از طریق بازارچه‌های مرزی صرفاً متوجه کانونهای اصلی این مبادلات یعنی مراکز استانی و فرا استانی است و نقش آن در نواحی مرزی بیشتر به نوعی توزیع دستمزد و برداشت سود شباهت دارد. به این ترتیب، با حضور عاملین غیر بومی در بازارچه‌ها و گردش امور بازرگانی آن در محور مبادلاتی سایر مناطق عملاً توسعه مناطق مرزنشین مسأله برانگیز است. به ویژه آن‌که بازارچه‌ها نیز در هنجار قانونی خود عمل نمی‌کنند. نتایج مطالعات میدانی و گزارشهای رسمی دریافت شده، تأیید بر آن دارد که بازارچه‌ها در رسیدن به اهداف خود موفق نبوده‌اند.^۶ محدود بودن امکانات مبادلاتی طرفهای مقابل به ویژه در بخشهای قفقاز و آسیای میانه، تعطیلی مقطعی پی در پی بازارچه‌ها، اقدامات سیاسی - اقتصادی کشورهای همجوار، رواج رشوه‌خواری و فساد اداری در برخی بازارچه‌های طرف مقابل و تضعیف حقوق پیمانه‌وران ایرانی، همچنین تداخل وظایف سازمانهای ناظر بر اداره امور اجرایی بازارچه‌ها و عدم تجانس در نحوه عملی و رفتار آنها از جمله مشکلاتی هستند که سلامتی مقرراتی و رونق تجاری این مراکز را به خطر انداخته‌اند.

به هر حال در تأمین پاسخ به این یافته‌ها و رسیدن به راه کارهای مناسب، این سوال مطرح شده است که دولت در فرایند توسعه صادرات و به تبع آن توسعه مناطق مرزنشین موفق بوده است؟ ۴۷/۲ درصد پرسش شوندگان پاسخ داده‌اند که «دولت عملاً با دخالت خود در جریان امور مبادلاتی بازارچه‌ها و عدم توجه به مشکلات موجود، باعث تضعیف مبادلات تجاری شده است».^۷ ۷۰ درصد عاملین بازارچه‌ها در مقابل طرح این سوال که «آیا شکوفا شدن کار بازارچه‌ها به چه نوع امکانات خدماتی دولت نیاز دارد» - پاسخ داده‌اند که «دولت بایستی از طریق برقراری قوانین و مقررات

۶. «وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی»، گزارش وزیر محترم بازرگانی به ریاست محترم جمهوری شماره ۱۰۰/۱۱۹۴۵ مورخ ۷۶/۱۰/۲۹.

۷. به منظور دستیابی به متن کامل پرسشنامه و نتایج آماری حاصل از آن، به پروژه انجام شده تحت همین عنوان در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مراجعه شود.

بازرگانی آسان و تسهیل‌کننده و همچنین ایجاد صنایع تبدیلی در محل، ایفای نقش نماید». همچنین ۷۸ درصد پاسخ دهندگان به این سؤال که «آیا لازم است مقررات و قوانین مبادلاتی متناسب با ظرفیت و توانایی بازارچه‌ها تدوین شود»، جواب موافق و کاملاً موافق داده‌اند. همچنین ۶۹ درصد پاسخ دهندگان، لزوم واگذاری بازارچه‌ها به افراد بومی را با نظر موافق و ۲۴ درصد با نظری کاملاً موافق مورد تأیید قرار داده‌اند. ۶۸ درصد پاسخ دهندگان، به این مهم اشاره داشته‌اند که بازارچه‌ها فاقد تأسیساتی از نوع انبار، سردخانه، استراحتگاه، آب و برق و تلفن می‌باشند.

تجزیه و تحلیل کلیه این اطلاعات به روش آزمون کای اسکوئر (χ^2) نشان می‌دهد که بین نقش دولت در امور بازرگانی بازارچه‌ها و ضعف توان مبادلاتی آنها رابطه‌ای وجود دارد که درجه قدرت آن ۴۰ درصد و ضریب همبستگی میان دو متغیر یاد شده حدود ۰/۴۱- می‌باشد. تلفیق و مقایسه با سایر سئوالات مشابه، اشاره‌ای ظریف به آن دارد که قوانین، مقررات و امور اجرایی ناظر بر اداره امور بازارچه‌ها چندان در جهت اهداف تعریف شده آنها، متناسب و جدی نیست. در چشم انداز توسعه آتی این مراکز و مناطق مرز نشین این واقعیات وجود دارد که بازارچه‌ها باید با حذف مقاصد سیاسی و رعایت اصول بازرگانی به سمت و سوی مردمی شدن هدایت شوند و اگر توسعه این مناطق ملاک باشد، لازم است خدمات و فعالیتهای پایه‌ای مرتبط با صادرات در خود مناطق مرزی متمرکز شود و بالاخره دولت ضرورت حضور خود را در عمران مناطق مرز نشین هرچه قاطع تر و تسهیل کننده تر ظاهر سازد.

جمع بندی و ملاحظات

جمع بندی کلی نتایج، مشخص می‌سازد که قوانین و مقررات حاکم بر اداره امور بازارچه‌ها در راستای اهداف تعریف شده این مراکز نیست و آزمون آماری نیز بر آن تأیید دارد. به منظور کارآتر ساختن فعالیت بازارچه‌ها در جهت توسعه اقتصادی و بازرگانی مناطق مرزی و ارتقا بخشیدن به توان بالقوه این مناطق نکات زیر توصیه می‌شود.

۱. از آنجا که مطابق اهداف تعریف شده در آیین نامه تأسیس بازارچه‌های مرزی، تأسیس بازارچه‌ها صرفاً به منظور تقویت اقتصادی مرز نشینان و مناطق مرز نشین بوده و مشارکت افراد غیر بومی در معاملات بازارچه‌های مرزی موجب تضعیف حقوق پیلهوران مرزی نشین می‌شود، پیشنهاد می‌گردد «با رعایت قوانین و مقررات» امکان گسترش ارتقای نقش مرز نشینان فراهم شود، یا حداقل به طریق سهم بندی میان افراد بومی و غیر بومی، منافع مرز نشینان رعایت گردد.

۲. از آنجا که واگذاری اداره امور بازارچه‌ها به ارگانهای سیاسی مناطق و تأکید عمده آنها به مسایل سیاسی - امنیتی موجب کم رنگ شدن امور بازرگانی اقتصادی بازارچه‌ها می‌گردد، توصیه می‌شود با اولویت دادن به وزارتخانه‌های بازرگانی، اقتصادی و دارایی همچنین نمایندگان گمرک در قالب کمیته‌های مدیریتی، مکانیزمهای نظارتی دقیقی برای اداره امور بازرگانی - اقتصادی بازارچه‌های مرزی تنظیم و اجرا شود.

۳. به منظور متعادل ساختن برخوردهای بروکراتیک و کوتاه کردن صفوف انتظار و تشریفات قانونی در بازارچه‌های مرزی، توصیه می‌شود با هماهنگی ارگانهای ناظر بر اداره امور بازارچه‌ها، اقدامات تسهیل کننده تری اتخاذ شود.

۴. نظر به متفاوت بودن توان بازرگانی - اقتصادی استانها و وجود محدودیتهای کالایی در بازارچه‌های طرف مقابل، پیشنهاد می‌شود با رعایت کلیه قوانین و مقررات بازرگانی کشور و نظارت شوراهای محلی، تغییرات اساسی متناسب با توان مبادلاتی بازارچه‌ها (حجم مبادلات و ترکیب کالاها) به عمل آید.

۵. به منظور ایجاد امنیت تجاری و حمایت از حقوق پیمه‌وران ایرانی در آنسوی مرزها، توصیه می‌شود ضوابط حمایتی در پروتکل های فی مابین گنجانده شود.

منابع

۱. بازارچه‌های مرزی (شماره ۴)، اداره کل بازرگانی آذربایجان غربی، هسته مطالعات و تحقیقات ، سال ۱۳۷۷
۲. بازارچه‌های مشترک مرزی (شماره ۴)، اداره کل بازرگانی آذربایجان شرقی هسته مطالعات و تحقیقات ، سال ۱۳۷۷
۳. خوفی ، منوچهر. الماسی فر، علاءالدین. کندوکاو در آثار اقتصادی و اجتماعی بازارچه‌های مشترک مرزی، اداره کل بازرگانی آذربایجان غربی، سال ۱۳۷۶.
۴. عملکرد واحد بازرگانی خارجی استان اردبیل، اداره کل بازرگانی استان اردبیل، سال ۱۳۷۵.
۵. سیاستهای اقتصادی - بازرگانی استان آذربایجان شرقی، اداره کل بازرگانی آذربایجان شرقی، سال ۱۳۷۷
۶. گزارشهای عملکرد ماهانه میزان صادرات غیر نفتی، ادارات کل بازرگانی استانهای خراسان، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، سالهای ۷۷-۱۳۷۵.
۷. وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی، گزارش وزیر محترم بازرگانی، ریاست محترم جمهوری ، شماره ۱۱۹۴۵/۱۰۰ مورخ ۷۶/۱۰/۲۹



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی